

تحلیل عدم به کارگیری منطقی مؤلفه‌های دفاع غیرعامل در فروپاشی شهر دهدشت در دوران صفویه و قاجار

ابراهیم رایگانی، عابد تقوی

¹ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

² استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

چکیده

مقوله دفاع غیرعامل در تاریخ معماری ایران، به عنوان یکی از تدابیر مهم حاکمان و بانیان در روند شکل‌گیری و گسترش شهرها به شمار می‌رفته است. این نوع دفاع به منظور به حداقل رساندن آسیب به نیروهای خودی در مقابل هجوم دشمن لحاظ می‌شد و معمولاً بدون دخالت نیروی انسانی صورت می‌گرفت. تحقیق حاضر تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که، با توجه به آگاهی بانیان شهر دهدشت از ضرورت ایجاد امنیت سیاسی و اقتصادی برای شهر دهدشت، به چه دلیل یا دلایلی متغیرهای دفاع غیرعامل مورد توجه قرار نگرفته است؟ در پاسخ به این پرسش این فرض مطرح است که، به دلیل عدم استفاده مناسب و صحیح از دو اصل جدایی و پراکندگی، شهر در شش مقطع زمانی دچار آسیب جدی شده است. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی و تحلیل تاریخی، کوشیده است نقش مؤلفه‌های مؤثر این سامانه دفاعی را در فرایند شکل‌گیری، گسترش و فروپاشی شهر دهدشت در دوران صفویه و قاجار مورد ارزیابی قرار دهد. روش گردآوری اطلاعات بر اساس پژوهش‌های کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی انجام پذیرفته است. نتایج نشان می‌دهد که شهر دهدشت از دوره صفویه تا عصر قاجار از روش‌های دفاع غیرعامل (پدافند غیرعامل)، استفاده نادرستی داشته است و این امر موجب شده تا شهر دهدشت در طول چهارصد سال، در شش برهه زمانی، مورد هجوم و غارت فراگیر قرار گیرد. این مهم در اندک زمانی منجر به نابودی شهر و جابه‌جایی یکی از کانون‌هایی قدرت سیاسی و اقتصادی به شهرهای جنوبی‌تر نظیر شهر بهبهان شد. بی‌تردید، این رویداد نقش مهمی در خارج ساختن دهدشت از ردیف شهرهای پویای اقتصادی و مسیرهای تجاری داشته است.

واژگان کلیدی: کهگیلویه و بویراحمد، شهر دهدشت، دفاع غیرعامل، فروپاشی، دوران صفویه و قاجار.

An Analysis of the Lack of Logic Application for the Passive Defense Components in the Disintegration of Dehdasht City at Safavid and Qajar Ages

Ebrahim Rayegani

Ph.D. Student of Archeology, Tarbiat Modares University

Abed Taghavi

Assistant Professor, Department of Archeology, University of Mazandarn

Abstract:

The issue of passive defense has been considered as one of the important measures adopted by rulers and founders in the trend of formation and expansion of cities in the history of Iranian architecture. This type of defense was intended to minimize the damage on local forces against the enemy attack and was usually performed without the intervention of human forces. The present research tries to respond to this question that with regard to the awareness of the founders of Dehdasht city in respect of the necessity of political and economic security for Dehdasht, for what reasons, the passive defense variables have not been noticed? In response to this question, this assumption is put forth that due to lack of proper use of the two principles of separation and scatterings, the city has undergone serious damages in six time sections. Using the descriptive and historical analytical approaches, this research has tried to evaluate the role of components effective of this defensive system in the process of formation, expansion and disintegration of Dehdasht city in Safavid and Qajar ages. The data collection method has been made based on library researches and field studies. The results show that Dehdasht city, since Safavid up to Qajar ages has had a incorrect use of passive defense. This has put Dehdasht city exposed to intrusion and plundering during four hundred years in six time sections. This important issue in a short period of time has led to the destruction of the city and shift of one of the political and economic power centers to the southern cities such as Behbahan. There is no doubt that this incident has had an important role in exiting Dehdasht city from the row of economic dynamic cities and commercial routes.

Keywords: Kohgilouyeh va Bouyer Ahmad, Dehdasht City, Passive Defense, Disintegration, Safavid and Qajar Ages.